

ارزیابی نقش میانجی یکپارچگی حسی در رابطه بین مهارت‌های شناختی و توانایی برقراری ارتباط بین فردی کودکان ۵ تا ۱۲ سال با اختلال طیف اُتسم

□ امیررضا مهدی‌زاده*، کارشناسی ارشد، روان‌شناسی عمومی، واحد اسلامشهر، دانشگاه پیام نور، اسلامشهر، ایران
□ وحیده صالح میرحسینی، استادیار، گروه روان‌شناسی، واحد پاکدشت، دانشگاه پیام نور، پاکدشت، ایران

• تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۵ • تاریخ انتشار: خرداد و تیر ۱۴۰۴ • نوع مقاله: پژوهشی • صفحات ۳۱ - ۴۶

چکیده

زمینه و هدف: اختلال طیف اُتسم به عنوان نوعی از اختلال عصبی تحولی معرفی می‌شود که مشخصه‌های اصلی آن وجود رفتارهای تکراری، علائق محدود و آسیب در تعامل اجتماعی و بین فردی است که این اختلالات می‌تواند تحت تأثیر عوامل حسی و شناختی قرار گیرد. پژوهش حاضر باهدف ارزیابی نقش میانجی یکپارچگی حسی در رابطه بین مهارت‌های شناختی و توانایی برقراری ارتباط بین فردی کودکان ۵ تا ۱۲ سال با اختلال طیف اُتسم انجام شد.

روش: روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی و مدل‌یابی معادلات ساختاری است. جامعه آماری این پژوهش شامل کودکان ۵ تا ۱۲ سال با اختلال طیف اُتسم در سال ۱۴۰۲ می‌باشند. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی تعداد ۲۰۰ کودک با اختلال طیف اُتسم از شهرهای شیراز، رشت، شهریار و کاشان انتخاب شدند و والدین و معلمان آنها به پرسشنامه گارس (۱۹۹۴)، پرسشنامه کارکردهای اجرایی بریف فرم والدین و پرسشنامه پردازش حسی پاره‌ام و همکاران (۲۰۰۷) پاسخ دادند. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار لیزرل نسخه ۱۰،۲۰ بهره‌برده شد.

یافته‌ها: برای الگوی پژوهش مقادیر شاخص‌های نیکویی برازش شامل شاخص مجذور خی (χ^2)، شاخص مجذور خی بر درجه آزادی، شاخص برازش مقایسه‌ای، شاخص نیکویی برازش، شاخص نیکویی برازش انطباقی و خطای ریشه مجذور میانگین تقریب به ترتیب برابر با ۱۵۷/۳۳، ۲/۲۵، ۰/۹۸، ۰/۹۶، ۰/۹۸، ۰/۳۴ و ۰/۳۴ به دست آمد که ارزش عددی مقادیر شاخص‌های نیکویی برازش الگوی اصلاح‌شده نشان می‌دهد که برازش الگوی پیشنهادی با داده‌ها قابل قبول است. نتایج نشان داد به میزان ۰/۷۵ از ضریب ساختاری توانایی در برقراری ارتباط بین فردی کودکان با اختلال طیف اُتسم به صورت غیرمستقیم توسط مهارت‌های شناختی و با نقش میانجی یکپارچگی حسی تبیین شده است. همچنین، از بین متغیرهای موجود در مدل تحلیل شده، متغیرهای برونزا بازداری، انتقال توجه، کنترل هیجانی، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی مواد، نظارت، حافظه کاری، آغازگری و همچنین یکپارچگی حسی بر متغیر ملاک یعنی توانایی برقراری ارتباط بین فردی دارای اثر معنادار هستند ($T < 1/96$) و به ترتیب $y = 0/33$ ، $y = 0/24$ ، $y = 0/22$ ، $y = 0/17$ ، $y = 0/15$ ، $y = 0/29$ ، $y = 0/12$ ، $y = 0/29$ و $y = 0/14$ از ضریب مسیر توانایی در برقراری ارتباط بین فردی را به صورت مستقیم تبیین می‌کنند.

* Email: amirreza_mahdizadeh1@yahoo.com

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که توانایی برقراری ارتباط بین فردی در کودکان با اختلال طیف اُتیسم به صورت مستقیم توسط مهارت‌های شناختی و با نقش میانجی یکپارچگی حسی تبیین می‌شود و می‌توان درجهت بهبود توانایی برقراری ارتباط بین فردی به نقش بااهمیت یکپارچگی حسی توجه کرد. به عبارتی، متغیر یکپارچگی حسی با تأثیرپذیری مثبت از مهارت‌های شناختی می‌تواند باعث بهبود توانایی در برقراری ارتباط بین فردی در کودکان باشد؛ زیرا افرادی که اطلاعات حسی را به خوبی پردازش می‌کنند، توانایی بیشتری برای شناسایی نشانه‌های غیرکلامی (مانند حالت چهره، تَن صدا یا زبان بدن) دارند.

واژه‌های کلیدی: اُتیسم، توانایی برقراری ارتباط بین فردی، مهارت‌های شناختی، یکپارچگی حسی

مقدمه

اختلال طیف اُتیسم نوعی از اختلال عصبی تحولی^۱ است که مشخصه‌های اصلی آن وجود رفتارهای تکراری، علائق محدود و آسیب در تعامل اجتماعی و بین فردی است (۱). این اختلال در دو سطح عملکرد پایین و عملکرد بالا تقسیم می‌شود و می‌تواند منبای ژنتیکی یا دیگر دلایل علت آن باشد (۲ و ۳). در یک طرف، افراد با مشکلات تعامل اجتماعی بارز، مشکلات ارتباطی یا تأخیر در رشد زبان، الگوهای رفتاری محدود، کلیشه‌ای و تکراری وجود دارد و حتی ممکن است نقص‌های شدیدی در بُعد شناختی این افراد دیده شود و آنها به عنوان کودکان با اختلال طیف اُتیسم با عملکرد سطح پایین شناخته می‌شوند. در طرف مقابل؛ کودکان با مشکلات تعامل اجتماعی خفیف، تأخیر در ارتباط، رفتارهای قالبی، تکراری و محدود کمتر وجود دارد و افرادی که تأخیری در کارکردهای شناختی نشان نمی‌دهد و از لحاظ شناختی و هوشی در سطوح متوسط به بالا قرار دارند و اغلب تحت عنوان کودکان با اختلال طیف اُتیسم با عملکرد سطح بالا توصیف می‌شوند (۴). براساس نسخه پنجم راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی^۲، نرخ شیوع کودکان با اختلال طیف اُتیسم در آمریکا و سایر کشورها حدود یک درصد است (۵). این اختلال، روابط افراد مبتلا را با اعضای خانواده، گروه همسالان و افراد دیگر با مشکل روبه‌رو می‌سازد (۶ و ۷). علائم کودکان با اختلال طیف اُتیسم تا پیش از ۳ سالگی خود را نشان می‌دهد (۸). این کودکان، در بیان و درک زبان نیز دارای مشکل هستند (۹). نقص در مهارت‌های ارتباطی در کودکان با اختلال طیف اُتیسم به صورت اختلالاتی

در شروع تعاملات اجتماعی، نگهداری روابط، خواسته‌ها و علایق افراد دیگر، تقسیم کردن لحظات شادی و دیدگاه‌ها با دیگران است. نارسایی‌های ارتباطی در کودکان با اختلال طیف اُتیسم رشد کرده و به صورت فقدان بازی و ارتباط با همسالان در سرتاسر دوره کودکی ادامه می‌یابد (۱۰ و ۴). بنابراین، وجود نقائص قابل توجهی در درک تعامل اجتماعی و ارتباط با دیگران و رفتارهای تکرارشونده، ویژگی کلیدی کودکان با اختلال طیف اُتیسم است (۱۱). آسیب در مهارت‌ها و روابط اجتماعی نه تنها مانع رشد این کودکان می‌شود، بلکه باعث طرد این کودکان از سوی دیگران می‌شود (۱۲). براساس بررسی‌های انجام شده، نقص در مهارت‌های ارتباطی اجتماعی متأثر از علل زیربنایی ذهنی از جمله، ناتوانی یا اختلال در شناخت اجتماعی و نظریه ذهن، آسیب در انسجام مرکزی و ناتوانی در پردازش یکپارچه اطلاعات و تمرکز بر جزئیات و همچنین نقص در توانایی‌های ذهنی است. هیلتون^۳ و همکاران (۱۳) در بررسی خود نشان دادند که انجام بازی‌های شناختی منجر به بهبود کارکردهای اجتماعی در کودکان با اختلال طیف اُتیسم می‌شود. همچنین جونز^۴ و همکاران (۱۴) بازی‌هایی را مبتنی بر توان بخشی شناختی بر روی این کودکان اجرا کردند و به این نتیجه رسیدند که پس از اجرای این رویکرد، مهارت‌های اجتماعی و ارتباط بین فردی کودکان با اختلال طیف اُتیسم بهبود یافته است. در مطالعات دیگری اسیفا^۵ و همکاران (۱۵)، ایرنه^۶ و همکاران (۱۶) و گریکو^۷ (۱۷) به نقش بااهمیت توانایی‌های شناختی در بهبود روابط بین فردی کودکان اشاره کردند. در ایران نیز، رضایی (۱۸) همین نتایج را در مطالعه خود تأیید کرد. همچنین شیری و همکاران (۱۹) به بررسی تأثیر توان بخشی شناختی بر بهبود

1. Neurodevelopmental disorders

2. Diagnostic and statistical manual of mental disorders (DSM-5)

3. Hilton

4. Jones

5. Asifa

6. Irene

7. Greco

یا پاسخ به تجربیات حسی است و به صورت واکنش‌های شدید نسبت به محرک‌های حسی، در طیفی از رفتارهای «جنگ، گریز یا انجماد» مانند پرخاشگری، کناره‌گیری، یا انتظار در ورودی حسی ظاهر می‌شود (۳۰). این پاسخ‌های رفتاری به محرک‌ها را می‌توان در ۳ الگوی مختلف دسته‌بندی کرد: واکنش بیش از حد حسی، کمتر پاسخ‌دهی حسی، یا میل به ورودی حسی. کودکان حساس بیش از حد واکنش نشان می‌دهند؛ واکنشی اغراق‌آمیز به محرک‌هایی که کودکان با رشد معمولی آنها را قابل تحمل می‌دانند. آنها ممکن است به گروه‌های اجتماعی واکنش منفی نشان دهند و از موقعیت‌های اجتماعی اجتناب کنند (۳۱). در همین حال، کودکانی که کمتر پاسخگو هستند، توانایی پاسخگویی به نشانه‌های حسی را ندارند، برانگیختگی کمی نشان می‌دهند، بی‌علاقه به نظر می‌رسند و خیال‌پردازی ندارند و اغلب استقامت پایینی دارند (۳۲). نقش یکپارچگی حسی در رابطه بین مهارت‌های شناختی و توانایی برقراری ارتباط بین فردی می‌تواند به چند دلیل باشد. کودکان با اختلال طیف اُتیسْم ممکن است در پردازش اطلاعات حسی دچار مشکل باشند. این می‌تواند شامل حساسیت بیش از حد یا کمبود حساسیت به صداها، نور، یا لمس باشد. این مشکلات می‌توانند مانع از توجه به نشانه‌های اجتماعی و ارتباطی شوند. یکپارچگی حسی مناسب به کودکان کمک می‌کند تا بتوانند به محیط اطراف خود توجه کنند و اگر این پردازش مختل باشد، آنها ممکن است نتوانند به درستی به گفتگوها یا تعاملات اجتماعی پاسخ دهند. کودکان با اختلال طیف اُتیسْم ممکن است در فهم و تفسیر نشانه‌های اجتماعی دچار مشکل شوند. یکپارچگی حسی می‌تواند به آنها کمک کند تا بهتر با احساسات و رفتارهای دیگران ارتباط برقرار کنند. یکپارچگی حسی می‌تواند بر توانایی کودکان در مدیریت هیجان‌ها و استرس تأثیر بگذارد. کودکان با یکپارچگی حسی خوب می‌توانند بهتر با موقعیت‌های اجتماعی سازگار شوند و در نتیجه مهارت‌های ارتباطی بهتری پیدا کنند. مهارت‌های شناختی مانند حل مسئله و تفکر انتقادی می‌توانند تحت تأثیر یکپارچگی حسی قرار گیرند و اگر یک کودک توانایی پردازش حسی خوبی داشته باشد، احتمالاً می‌تواند اطلاعات را بهتر پردازش کرده و در نتیجه مهارت‌های شناختی و اجتماعی بهتری را توسعه دهد (۳۳). آیزن^۲ یکپارچگی حسی را فرآیندی عصب‌شناختی معرفی نمود که در آن سیستم مغزی داده‌های حسی دریافت شده از محیط و سیستم بدنی را ساماندهی و

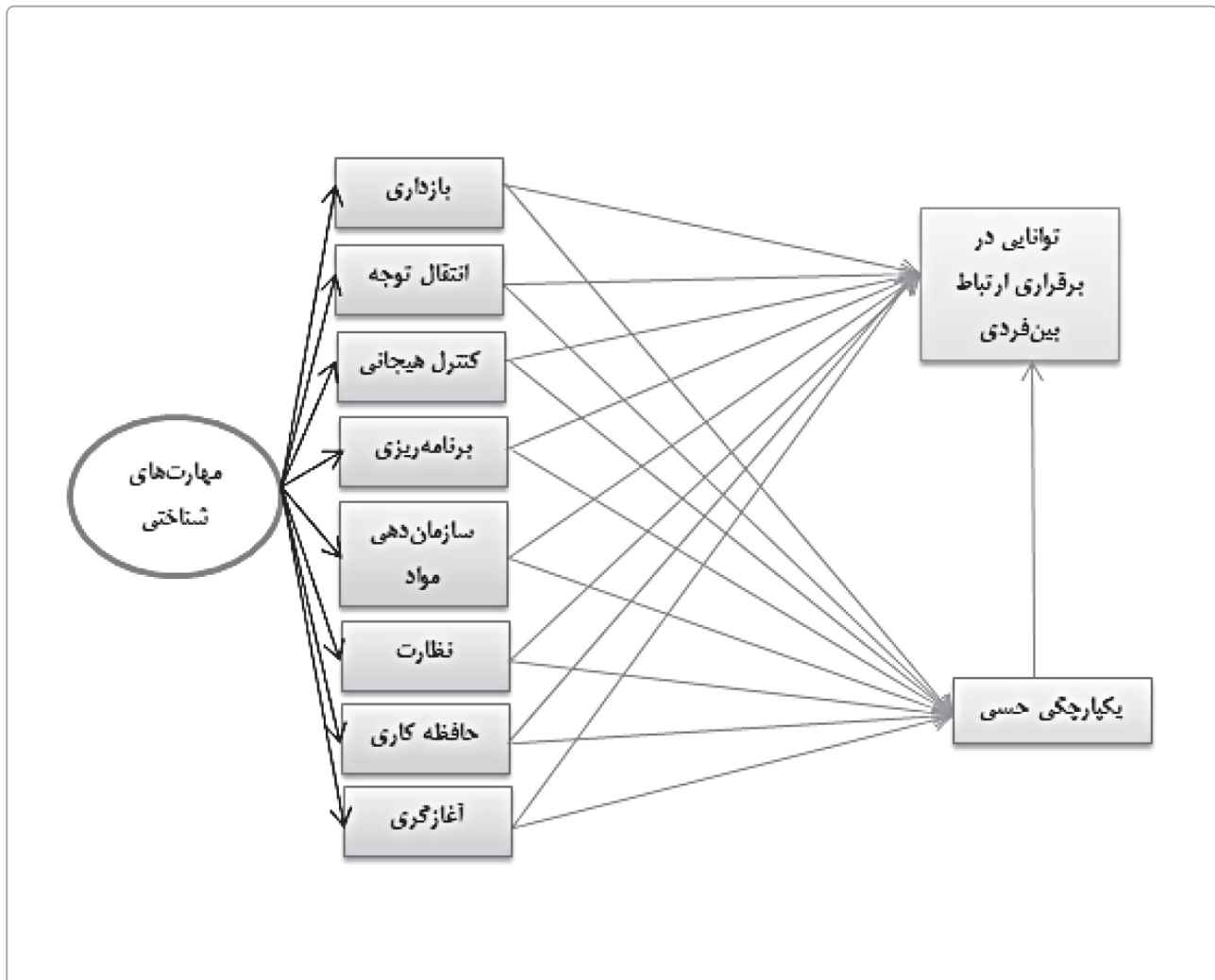
توانایی شناخت اجتماعی کودکان با اختلال طیف اُتیسْم با عملکرد بالا پرداختند و نشان دادند که رویکرد توان‌بخشی شناختی بر بهبود توانایی شناخت اجتماعی مؤثر است. علاوه بر این، یقینی و همکاران (۲۰) نیز نشان دادند که روش توان‌بخشی شناختی مبتنی بر بازشناسی هیجانی بر بهبود تئوری ذهن و کاهش مشکلات رفتاری اثر معناداری داشته است. اثرات مثبت مهارت‌های شناختی بر خودتنظیمی هیجانی نیز مورد تأیید قرار گرفته است (۲۱ و ۲۲). مهارت‌های شناختی رابط بین رفتار و ساختار مغز بوده و گستره وسیعی از توانایی‌ها (توجه، برنامه‌ریزی، حل مسئله، بازداری پاسخ، انجام هم‌زمان تکالیف و انعطاف‌پذیری شناختی) را در برمی‌گیرد. این موارد فقط شامل بخشی از توانایی‌های شناختی سرد می‌شود که پایه آن منطق است. پایه بخشی دیگر از توانایی‌های شناختی که به مهارت‌های شناختی گرم^۱ معروف هستند و در تجربه‌ی پاداش و گزند، تنظیم رفتارهای اجتماعی و تصمیم‌گیری در حالت‌های هیجانی نقش دارند، خواسته‌ها، باورها و هیجان‌ها هستند (۲۳). یکی از عواملی که می‌تواند در رابطه بین مهارت‌های شناختی و توانایی برقراری ارتباط بین فردی کودکان با اختلال طیف اُتیسْم دارای نقش باشد، یکپارچگی حسی است؛ چراکه یکپارچگی حسی می‌تواند باعث کاهش فراوانی و شدت رفتارهای چالش‌برانگیز کودکان با اختلال طیف اُتیسْم شود (۲۴). همچنین یکپارچگی حسی بر عملکرد تعادلی کودکان با اختلال طیف اُتیسْم (۲۵) و تعامل مؤثر کودک با محیط (۲۶) نیز مؤثر است. یکپارچگی حسی به‌عنوان عاملی میانجی به کودکان اجازه می‌دهد تا اطلاعات بدن و محیط را سازماندهی کرده و بر نحوه تعامل آنان با محیط فیزیکی و اجتماعی خود تأثیر بگذارد (۲۷). یکپارچگی حسی به پردازش چندوجهی مربوط می‌شود که از شکل‌گیری و بازیابی ادراکات چندحسی در سیستم عصبی مرکزی پشتیبانی می‌کند تا پردازش و سازماندهی اطلاعات حسی را امکان‌پذیر کند و گزارش شده است که برخی از کودکان از نظر بالینی مشکلات قابل توجهی را در تنظیم پاسخ خود به احساسات به گونه‌ای نشان می‌دهند که با فعالیت‌ها و روال زندگی روزمره و همچنین یادگیری آنان تداخل دارد (۲۸ و ۲۹). مشاهده شده است که ۵ تا ۱۳ درصد از کودکان ۴ تا ۶ ساله تحت تأثیر این اختلالات حسی قرار دارند و به دلیل اختلالات حسی از پیامدهای اجتماعی و عاطفی ناتوان‌کننده‌ای رنج می‌برند (۲۷). در این راستا، اختلال در پردازش حسی شامل مشکل در تشخیص، تعدیل، تفسیر و

1. Hot Cognition

2. Ayres

زمانی ایجاد می‌شود که نوروهای حسی نشانه‌ای نشان ندهند و یا به صورت مؤثری فعالیت نکنند (۳۵). یولی و همکاران (۳۶) نشان دادند که برنامه‌ی یکپارچگی حسی بر تعامل اجتماعی کودکان مؤثر است. واتلینگ و دیتز (۳۷) نشان دادند که روش یکپارچگی حسی منجر به بهبود تعاملات اجتماعی و تماس چشمی کودکان با اختلال طیف اُتیسسم شده است. بنابراین با توجه به نقش با اهمیت یکپارچگی حسی در برقراری ارتباط بین مهارت‌های شناختی و رفتاری، مطالعه حاضر در نظر دارد تا اثرات یکپارچگی حسی را به عنوان متغیر میانجی بررسی کرده و بر این اساس، مسئله اصلی این پژوهش این است که آیا یکپارچگی حسی در رابطه بین مهارت‌های شناختی و توانایی در برقراری ارتباط بین فردی کودکان با اختلال طیف اُتیسسم نقش میانجی دارد؟

استفاده می‌کند. وی اختلال در یکپارچگی حسی را باعث آسیب در یادگیری و رفتارهای پیچیده عنوان نمود و توضیح داد که مهارت ترکیب داده‌های حسی در ارتباط کارآمد با محیط به فرد کمک می‌کند. همچنین، گلاهو^۱ معتقد است که فرایندهای ذهنی عالی‌تر، پس از رشد سیستم‌های حرکتی و ادراکی و نیز برقراری ارتباط میان یادگیری حرکات و ادراک به وجود می‌آیند (۳۴). فرامرزی و همکاران (۳۴) نشان دادند که اجرای تمرینات یکپارچگی حسی، باعث کاهش رفتارهای کلیشه‌ای و بهبود تعاملات اجتماعی کودکان با اختلال طیف اُتیسسم می‌شود. آیزر بیان کرد که سیستم حسی با گذشت زمان، درست مانند سایر جنبه‌های رشدی (زبان، حرکتی و غیره) رشد می‌یابد و این نقص در یکپارچگی می‌تواند در روند رشد حسی، خود را به خوبی نشان دهد. آیزر توضیح داد که آسیب در یکپارچگی حسی



شکل (۱) الگوی مفهومی پژوهش

1. Gallahue

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی و از نوع مطالعات همبستگی است. جامعه آماری شامل (والدین و معلمان) کودکان ۵ تا ۱۲ سال با اختلال طیف اُتسیم شهرهای شیراز، رشت، شهریار و کاشان در سال ۱۴۰۲ بودند و ملاک‌های ورود عبارت بودند از: تشخیص اختلال طیف اُتسیم - رضایت آگاهانه پدر یا مادر کودک برای شرکت در پژوهش. همچنین ملاک خروج عبارت بود از: پاسخگویی ناقص به پرسشنامه‌ها. روش نمونه‌گیری در این پژوهش به روش خوشه‌ای تصادفی بود. از آنجا که روش‌شناسی مدل معادلات ساختاری تا حدود زیادی با برخی از جنبه‌های رگرسیون چندمتغیری شباهت دارد، می‌توان از اصول تعیین حجم نمونه در تحلیل رگرسیون چندمتغیری برای تعیین حجم نمونه استفاده کرد. باتوجه به اینکه روش انتخاب نمونه آماری در این پژوهش به صورت خوشه‌ای تصادفی بود، در ابتدا از بین تمام شهرهای ایران، براساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله‌ای شهرهای شیراز، رشت، شهریار و کاشان به تصادف انتخاب شدند. سپس از بین مراکز درمانی کودکان با اختلال طیف اُتسیم شهرهای مذکور، تعداد ۸۰ نفر از مرکز حامیان اُتسیم شیراز، ۷۶ نفر از مرکز حامیان اُتسیم گیلان، ۳۴ نفر از مرکز آوات که در شهریار قرار دارد و ۱۰ نفر از مرکز سرای امید کاشان انتخاب شدند و پس از گفتگو و هماهنگی‌های به‌عمل‌آمده با مدیریت این مراکز، والدین (سرپرستان) و معلمان کودکان با اختلال طیف اُتسیم به ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه گارس (۱۹۹۴)، پرسشنامه کارکردهای اجرایی بریف فرم والدین و پرسشنامه پردازش حسی پاسخ دادند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری‌شده از مدل‌یابی معادلات ساختاری و نرم‌افزار لیزرل نسخه ۱۰٫۲۰ استفاده شد. همچنین ملاک‌های اخلاقی عبارت بودند از: احترام به شرکت‌کنندگان و اختیار آنها - عدم اجبار برای شرکت در پژوهش - توجه به عدم ضرررسانی به شرکت‌کنندگان و رضایت آگاهانه.

ابزار پژوهش

(۱) پرسشنامه گارس^۱: پرسشنامه گارس فهرستی است برای تشخیص افراد اُتستیک. این آزمون در سال ۱۹۹۴ به‌نکار شده است. آزمون گارس براساس تعاریف انجمن اُتسیم آمریکا و انجمن روان‌پزشکی آمریکا تهیه شده است. آزمون گارس برای

1. Gilliam Autism Rating Scale (GARS)
2. Behavior Rating Inventory of Executive Function - Parent Form brief

3. Gioia

اشخاص ۳ تا ۲۲ ساله مناسب بود و می‌تواند به‌وسیله والدین و متخصصان در مدرسه یا خانه تکمیل شود. آزمون گارس شامل ۴ خرده‌مقیاس و هر خرده‌مقیاس شامل ۱۴ آیتم (مورد) است. روش نمره‌دهی این آزمون از صفر تا ۳ است. نمره به‌دست آمده نشان‌دهنده شدت ویژگی‌های اختلال اُتسیم در فرد است و نمره بالاتر به معنای وجود ویژگی‌های بیشتر و شدیدتر مرتبط با اختلال اُتسیم است. در این پژوهش از خرده‌مقیاس دوم که برقراری ارتباطات است، استفاده شد که موارد ۱۵ تا ۲۸ را شامل می‌شود. این گزینه‌ها رفتارهای کلامی و غیرکلامی را توصیف می‌کند که نشانه‌هایی از کودکان با اختلال طیف اُتسیم است. مطالعات انجام‌شده نمایانگر ضریب آلفای ۰/۸۹ برای ارتباط است. گارس تنها آزمونی است که نه تنها پایایی روش آزمون - بازآزمون را گزارش کرده است، بلکه مهم‌تر، پایایی بین نمره‌گذاران را نیز دارد. روایی آزمون نیز از طریق مقایسه با سایر ابزارهای تشخیصی اُتسیم تأیید شده است. پایایی این آزمون در ایران به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۴ به‌دست آمده است و ضریب همبستگی به روش بازآزمایی در فاصله یک سال ۰/۸۸ برآورد شده است. همچنین، پایایی بین ارزیابان ۰/۷۱ محاسبه شده است. علاوه بر این، گارس می‌تواند به عنوان یک آزمون غربالگری تشخیصی استفاده شود. این آزمون در یک مطالعه مقدماتی در میان ۳۰ کودک اُتستیک در اصفهان ارزیابی و پس از ترجمه نسخه اصلی، روایی محتوایی و صوری از طرف کارشناسان مربوطه مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است (۴). علاوه بر این، برای بررسی و ارزیابی پایایی آزمون از روش ضریب آلفای کرونباخ نیز بهره برده شده است و نتایج بررسی ضریب آلفای کرونباخ برای ارزیابی پایایی آزمون کارز ۰/۹۱ درصد به‌دست آمد (۴). ضریب آلفای کرونباخ برای این آزمون در پژوهش حاضر برای آیتم‌های برقراری ارتباطات برآورد شد و مقدار آن ۰/۷۲ به‌دست آمد.

(۲) پرسشنامه کارکردهای اجرایی بریف فرم والدین^۲:

پرسشنامه کارکردهای اجرایی توسط جیویا^۳ و همکاران (۳۸) طراحی شده است و مورد هنجاریابی قرار گرفت. این ارزیابی دارای ۲ فرم والدین و معلم و نیز دارای ۸۶ پرسش می‌باشد که با توجه به شرایط حادث شدن وضعیت برای کودک به عنوان هیچ‌وقت، گاهی اوقات و همیشه به ترتیب از ۱ تا ۳ توسط والدین نمره‌گذاری می‌شود و رفتارهای کودک را در مدرسه یا منزل مورد بررسی قرار می‌دهد و به‌منظور تفسیر رفتاری

۳) پرسشنامه پردازش حسی: برای اندازه‌گیری پردازش‌های حسی از پرسشنامه پردازش حسی که توسط پارهام^۲ و همکاران (۴۰) برای کودکان سنین ۵ تا ۱۲ سال ساخته شده بود استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۷۵ گویه با لیکرت ۴ درجه‌ای (هیچگاه، گاهی، غالباً و همیشه) می‌باشد که در آن نمرات بالا نشان دهنده عملکرد بهتر شرکت‌کننده در پردازش حسی است. پرسشنامه دارای ۸ زیر مجموعه (مشارکت اجتماعی، پردازش بینایی، پردازش شنیداری، پردازش لمسی، پردازش بویایی و چشایی، تعادل و حرکت، آگاهی بدنی و طرح‌ریزی ایده‌ها) است. این پرسشنامه روی نمونه ۱۰۵۱ نفری کودکان ۶ ساله اجرا و پایایی ضریب همسانی درونی ۰/۸۶ و پایایی بازآزمایی ۰/۹۷ گزارش شد. مجدداً یک نمونه ۳۰۶ نفری انتخاب و پایایی ضریب همسانی درونی آن ۰/۸۹ گزارش شد. برای محاسبه پایایی این آزمون از ۲ روش تحلیل آماری، ضریب آلفا کرونباخ و بازآزمایی استفاده شد و ضریب آلفا برای بخش‌های مختلف این آزمون در دامنه ۰/۶۰ تا ۰/۹۰ قرار دارد و روایی این آزمون ۹۲ درصد است. برای بررسی بازآزمایی این مقیاس پس از اجرای اول، اجرای دوم در فاصله زمانی بین ۷ تا ۱۲۱ روز انجام شد. در ایران روایی محتوایی آزمون توسط موثقی و همکاران (۴۱) تأیید شد. ضریب پایایی با روش آلفا کرونباخ ۰/۹۲ گزارش شد (۴۱). ضریب آلفا کرونباخ برای این پرسشنامه در پژوهش حاضر برآورد شد و مقدار آن ۰/۷۵ به دست آمد.

یافته‌ها

در این مطالعه، تعداد ۱۴۵ کودک پسر و تعداد ۵۵ دختر با میانگین سنی ۹ سال بودند. علاوه بر این، تعداد ۸۰ نفر از کودکان از مرکز حامیان اُتیسم شیراز، ۷۶ نفر از مرکز حامیان اُتیسم گیلان، ۳۴ نفر از مرکز آوات شهریار و ۱۰ نفر از آنان از مرکز سرای امید کاشان بودند.

عملکرد اجرایی کودکان ۵ تا ۱۸ ساله طراحی شده است. نمرات بالا در این پرسشنامه نشان دهنده عملکرد بهتری وی در حیطه مورد سنجش است. جامعه مورد هدف آن اختلالات عصبی تحولی (کودکان با اختلال نارسایی توجه / بیش‌فعالی، کودکان با اختلال طیف اُتیسم، اختلال یادگیری، نشانگان توره، کم‌توان ذهنی و آسیب‌های مغزی) می‌باشد. این پرسشنامه با مقیاس لیکرت نمره‌گذاری می‌شود. هرکدام از پرسش‌های مربوط به یکی از زیر مجموعه‌های پرسشنامه می‌باشد و این زیر مجموعه‌ها به ۲ قسمت اصلی مهارت‌های تنظیم رفتار (بازداری، انتقال توجه، کنترل هیجانی) و مهارت‌های فراشناختی (برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی مواد، نظارت، حافظه‌کاری، آغازگری) تقسیم‌بندی می‌شود. ضریب اعتبار این پرسشنامه برای نمونه‌های بالینی در فرم والدین آن ۰/۹۸ - ۰/۸۲ می‌باشد و زمانی که برای ارزیابی جامعه هنجار از آن استفاده شود، به ۰/۹۷ - ۰/۸۰ می‌رسد. روایی و پایایی نسخه فارسی پرسشنامه فرم والدین در جامعه کودکان با اختلال طیف اُتیسم انجام شده است (۳۹). در پژوهش‌هایی روایی و اعتبار پرسشنامه سنجیده شد که ضریب پایایی آزمون-بازآزمون خرده مقیاس‌های آزمون در کارکرد بازداری ۰/۹۰، انتقال توجه ۰/۸۱، کنترل هیجانی ۰/۹۱، آغازگری ۰/۸۰، حافظه‌کاری ۰/۷۱، برنامه‌ریزی ۰/۸۱، سازماندهی مواد ۰/۷۹، نظارت ۰/۷۸، شاخص تنظیم رفتار ۰/۹۰، شاخص فراشناخت ۰/۸۷ و نمره کلی کارکردهای اجرایی ۰/۸۹ به دست آمد. ضریب همسانی درونی برای این پرسشنامه از ۰/۹۴ - ۰/۸۷ می‌باشد که نشان دهنده بالا بودن همسانی درونی کلیه خرده مقیاس‌های پرسشنامه است (۳۹). ضریب آلفا کرونباخ برای این پرسشنامه در پژوهش حاضر برآورد شد و مقدار آن به ترتیب برای ابعاد بازداری، انتقال توجه، کنترل هیجانی، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی مواد، نظارت، حافظه‌کاری و آغازگری ۰/۷۸، ۰/۷۴، ۰/۷۳، ۰/۷۱، ۰/۸۶، ۰/۷۱، ۰/۷۳ و ۰/۸۳ به دست آمد.

جدول ۱) آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در گروه نمونه (تعداد = ۲۰۰)

مؤلفه	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب آلفای کرونباخ
بازداری	۱۲/۷	۴/۸۲	۰/۷۹
انتقال توجه	۹/۰۹	۳/۹۸	۰/۶۹
کنترل هیجانی	۷/۴۶	۱/۲	۰/۷۴
سازمان‌دهی مواد	۷/۳۶	۳/۸۹	۰/۷۳
سازمان‌دهی مواد	۷/۳۶	۳/۸۹	۰/۷۳

1. Sensory Processing Questionnaire

2. parham

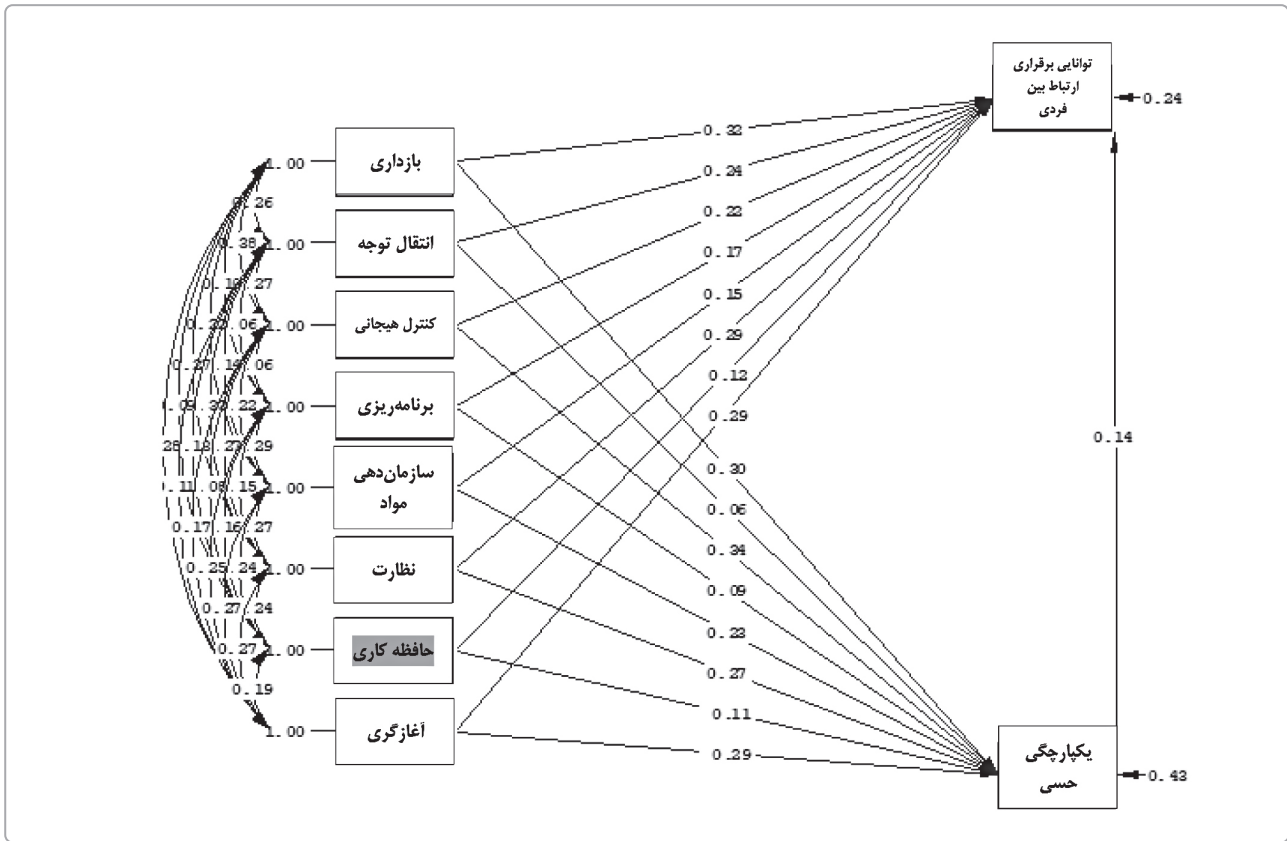
مؤلفه	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب آلفای کرونباخ
نظارت	۷/۵۲	۲/۹۷	۰/۸۴
حافظه کاری	۸/۶۲	۳/۷۶	۰/۷۱
آغازگری	۷/۳۵	۲/۹۲	۰/۸۷
توانایی در برقراری ارتباط بین فردی	۲۴/۳۹	۶/۶۴	۰/۷۲
یکپارچگی حسی	۱۴۰/۱۸	۱۵/۰۴	۰/۷۷

نرمال بودن توزیع داده‌ها براساس آزمون کولموگروف-اسمیرنف بررسی شد و نتایج نشان داد داده‌ها دارای توزیع نرمال هستند. همچنین، در این تحلیل، در هیچ یک از مقادیر آماره‌های تحمل و تورم واریانس محاسبه شده برای متغیرهای پیش‌بین، انحرافی از مفروضه چندگانگی خطی مشاهده نشد. از سوی دیگر، به منظور بررسی استقلال خطاها از آماره دوربین واتسون استفاده شد و نتایج نشان داد مفروضه استقلال برقرار است ($2/14 = \text{آماره دوربین واتسون}$). به منظور پاسخ به فرضیه پژوهش از مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. در جدول (۲)، به ترتیب اثرات ساختاری برونزا مهارت‌های شناختی و اثرات میانجی یکپارچگی حسی بر متغیر درونزا شامل توانایی در برقراری ارتباط بین فردی کودکان با اختلال طیف اُتیسم گزارش شده است.

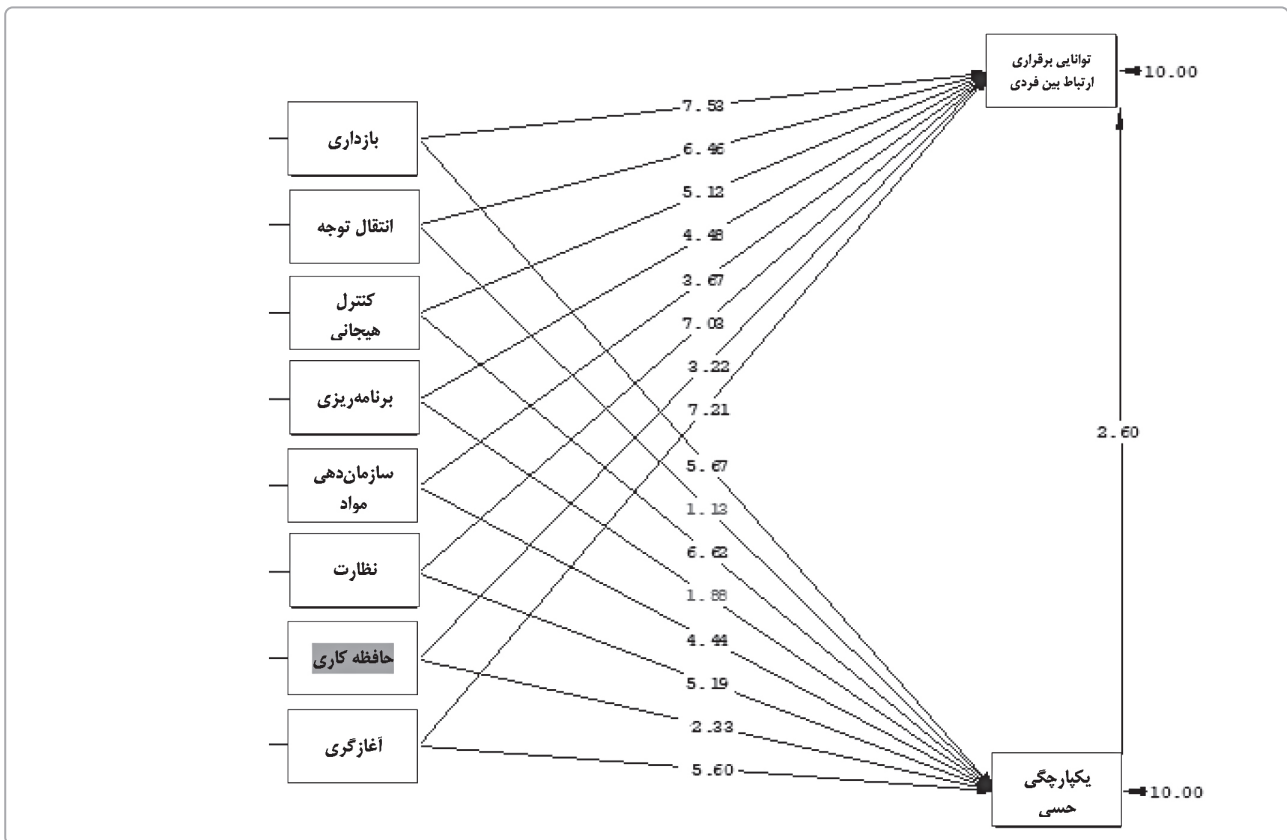
یافته‌ها نشان می‌دهد که در متغیر توانایی در برقراری ارتباط بین فردی، شرکت‌کنندگان نمرات میانگین (۲۷/۲۴) و انحراف استاندارد (۶/۶۴) را کسب کردند و این نمرات نشان‌دهنده این است که افراد شرکت‌کننده در پژوهش از نظر برقراری ارتباط بین فردی، نمرات پایینی را کسب کرده‌اند. همچنین، شرکت‌کنندگان در متغیر یکپارچگی حسی نمرات میانگین ۱۴۰/۱۸ را کسب کرده‌اند. علاوه بر این، شرکت‌کنندگان در متغیر مهارت‌های شناختی، در مهارت بازداری نمرات میانگین بالاتر (۱۲/۷) و در مهارت آغازگری نمرات پایین‌تری را کسب کرده‌اند (۷/۳۵). در این مطالعه، مقادیر چولگی و کشیدگی داده‌ها برای متغیرهای توانایی در برقراری ارتباط بین فردی، مهارت‌های شناختی و یکپارچگی حسی در کودکان با اختلال طیف اُتیسم بین +۲ و -۲ به دست آمد. علاوه بر این،

جدول (۲) اثرات ساختاری بین متغیرهای برونزا و ملاک

ضریب ساختاری	متغیر برونزا بازداری بر توانایی در برقراری ارتباط بین فردی		متغیر برونزا انتقال توجه بر توانایی در برقراری ارتباط بین فردی		متغیر برونزا هیجانی بر توانایی در برقراری ارتباط بین فردی	
	ضرایب خام	ضریب استاندارد	ضرایب خام	ضریب استاندارد	ضرایب خام	ضریب استاندارد
پارامتر ضریب مقدار T	۰/۴	۰/۳۳	۱/۰۵	۰/۲۴	۰/۵۳	۰/۲۲
	۷/۵۳		۶/۴۶		۵/۱۲	
ضریب ساختاری	متغیر برونزا برنامه‌ریزی بر توانایی در برقراری ارتباط بین فردی		متغیر برونزا سازمان‌دهی مواد بر توانایی در برقراری ارتباط بین فردی		متغیر برونزا نظارت بر توانایی در برقراری ارتباط بین فردی	
	ضرایب خام	ضریب استاندارد	ضرایب خام	ضریب استاندارد	ضرایب خام	ضریب استاندارد
پارامتر ضریب مقدار T	۰/۲۸	۰/۱۷	۰/۲۵	۰/۱۵	۰/۹۶	۰/۲۹
	۴/۴۸		۳/۶۷		۷/۰۳	
ضریب ساختاری	متغیر برونزا حافظه کاری بر توانایی در برقراری ارتباط بین فردی		متغیر برونزا آغازگری بر توانایی در برقراری ارتباط بین فردی		متغیر برونزا یکپارچگی حسی بر توانایی در برقراری ارتباط بین فردی	
	ضرایب خام	ضریب استاندارد	ضرایب خام	ضریب استاندارد	ضرایب خام	ضریب استاندارد
پارامتر ضریب مقدار T	۰/۰۵	۰/۱۲	۰/۱۵	۰/۲۹	۰/۰۹	۰/۱۴
	۳/۲۲		۷/۲۱		۲/۶	



نمودار (۱) نمودار مسیر روابط بین متغیرهای پژوهش بر حسب ضرایب استاندارد



نمودار (۲) نمودار مسیر روابط بین متغیرهای پژوهش بر ضرایب معناداری آزمون t

به صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق متغیر میانجی تبیین می‌کنند. یافته به دست آمده با نتایج مطالعات هیلتون و همکاران (۱۳) و فرامرزی و همکاران (۳۴) از آن جهت همسوست که نشان داد تمرینات یکپارچگی حسی- حرکتی بر تعاملات اجتماعی کودکان با اختلال طیف اُتیسم مؤثر است. همچنین، یافته به دست آمده با نتایج مطالعه رضایی (۱۸) از آن جهت همخوانی دارد که وی نشان داد برنامه توان بخشی شناختی بر عملکرد اجتماعی کودکان با اختلال طیف اُتیسم تأثیر دارد. این یافته براساس نظریه ذهن و نظریه شبکه اجتماعی مغز قابل تبیین است. اول اینکه گسترش مهارت‌های شناختی باعث گسترش و رشد نظریه ذهن در کودکان با اختلال طیف اُتیسم می‌شود. دوم اینکه بدون توجه به حالت‌های ذهنی، تکالیف نظریه ذهن باعث می‌شود مهارت‌های شناختی افزایش پیدا کند. سوم اینکه حالت‌های ذهنی برای تحول و گسترش مهارت‌های شناختی لازم و ضروری هستند؛ با این همه نظریه‌ها و پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهند که گسترش و آموزش مهارت‌های شناختی منجر به افزایش توانایی نظریه ذهن می‌شود و نظریه ذهن نیز به افزایش مهارت‌های ارتباط بین فردی می‌انجامد. در تبیین این یافته از پژوهش می‌توان گفت لوب‌های پیشانی مغز، در تحول شایستگی اجتماعی - هیجانی نقش دارند، همان جایی که مربوط به پردازش خودمهارگری مغز است و اغلب مهارت‌های شناختی نیز به همین قشر اشاره دارد. نقص در اکتساب مهارت‌های ارتباطی و نیز نقص در مهارت‌های شناختی مربوط به یک ناحیه از مغز است. در حقیقت، بسیاری از مهارت‌های شناختی، مانند بازداری، سازمان‌دهی مواد، انتقال توجه از تکلیفی به تکلیف دیگر، حافظه کاری، برنامه‌ریزی، فراشناخت و آغازگری، می‌تواند معادل به کارگیری موفقیت‌آمیز مهارت‌های ارتباط بین فردی و برقراری ارتباط بین فردی باشد که این استنباط می‌تواند دلیل موجهی در تأثیر مستقیم مهارت‌های شناختی بر توانایی برقراری ارتباط بین فردی باشد. نظریه شبکه اجتماعی مغز بیان می‌کند که تعاملات اجتماعی به شبکه‌ای از مناطق مغزی، از جمله لوب‌های پیشانی، آمیگدال، قشر سینگولیت قدامی و قشر گیجگاهی وابسته است و لوب پیشانی، بویژه قشر اوربیتوفرونتال، در ارزیابی سیگنال‌های اجتماعی، تنظیم هیجان‌ات و پردازش بازخوردهای بین فردی نقش کلیدی دارند. در بررسی چرایی اثرات مهارت‌های شناختی بر توانایی در برقراری ارتباط بین فردی می‌توان به نقش مؤثر این مهارت‌ها در پیشگیری از

نمودار (۱) مدل مفروض توانایی در برقراری ارتباط بین فردی کودکان با اختلال طیف اُتیسم را براساس مهارت‌های شناختی با نقش میانجی یکپارچگی حسی را پس از اصلاح نشان می‌دهد. برای الگوی اصلاح شده مقادیر شاخص‌های نیکویی برازش شامل شاخص مجذور خی (X^2)، شاخص مجذور خی بر درجه آزادی، شاخص برازش مقایسه‌ای، شاخص نیکویی برازش، شاخص نیکویی برازش انطباقی و خطای ریشه مجذور میانگین تقریب به ترتیب برابر با ۱۵۷/۳۳، ۲/۲۵، ۰/۹۸، ۰/۹۶، ۰/۹۸ و ۰/۳۴ به دست آمد. ارزش عددی مقادیر شاخص‌های نیکویی برازش الگوی اصلاح شده نشان می‌دهد که برازش الگوی پیشنهادی با داده‌ها قابل قبول است. یافته‌ها نشان می‌دهد که از بین متغیرهای موجود در مدل تحلیل شده، متغیرهای برونزا بازداری، انتقال توجه، کنترل هیجانی، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی مواد، نظارت، حافظه کاری، آغازگری و همچنین یکپارچگی حسی بر متغیر ملاک یعنی توانایی در برقراری ارتباط بین فردی دارای اثر معنادار هستند ($T < 1/96$) و به ترتیب $y = 0/12$ ، $y = 0/29$ ، $y = 0/14$ از ضریب مسیر توانایی در برقراری ارتباط بین فردی را به صورت مستقیم تبیین می‌کنند.

نتایج حاصل از مدل‌یابی معادلات ساختاری نشان داد که ضریب تأثیر غیرمستقیم مهارت‌های شناختی بر توانایی در برقراری ارتباط بین فردی از طریق نقش میانجی یکپارچگی حسی معنادار بود و ضرایب غیرمستقیم مدل تأیید شد؛ در نتیجه یکپارچگی حسی به صورت کلی قادر به میانجی معنادار بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک بود. بنابراین با توجه به مدل مفهومی ارائه شده، می‌توان انتظار داشت که توانایی در برقراری ارتباط بین فردی از طریق یکپارچگی حسی با مهارت‌های شناختی رابطه داشته باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف ارزیابی نقش میانجی یکپارچگی حسی در رابطه بین مهارت‌های شناختی و توانایی در برقراری ارتباط بین فردی کودکان ۵ تا ۱۲ سال با اختلال طیف اُتیسم صورت پذیرفت. نتایج بررسی نشان داد که متغیرهای برونزا بازداری، انتقال توجه، کنترل هیجانی، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی مواد، نظارت، حافظه کاری، آغازگری با نقش میانجی یکپارچگی حسی بر متغیر ملاک یعنی توانایی در برقراری ارتباط بین فردی دارای اثر معنادار هستند و توانایی در برقراری ارتباط بین فردی را

تکروی‌ها و تمایل به مشارکت‌های مفید اشاره داشت. در حقیقت، افراد ضمن به کارگیری مهارت‌های شناختی از تکانشی و بی‌هدف رفتار کردن پرهیز می‌کنند و با تأملی بر رفتار خود و دیگران، به‌طور هوشمندانه‌تر و البته مفیدتر وارد همکاری با دوستان و سایرین می‌شوند. در رابطه با مهارت جرئت داشتن در شروع ارتباط بین فردی که می‌تواند مشتمل بر رفتارهای آغازگر نظیر کسب اطلاع از دیگران، معرفی خود به دیگران و پاسخ مناسب به رفتار دیگران باشد، باید گفت افراد با استفاده از مهارت‌های شناختی به مرور رفتار خود و سایرین می‌پردازند و عواقب آن رفتارها را مؤثرتر می‌توانند تحلیل کنند و در نتیجه در ابراز وجود و یا معرفی خود به دیگران بهتر عمل می‌کنند. افرادی که امکان کسب روابط اجتماعی موفق دارند، به همان نسبت نیز به احتمال بیشتری در معرض یادگیری مهارت‌های پیچیده‌تری درباره روابط اجتماعی قرار می‌گیرند. بنابراین ضعف در مهارت‌های شناختی می‌تواند مانع یادگیری‌های وسیع‌تری که در جریان روابط اجتماعی رخ می‌دهد نیز شود (۱۵، ۱۶، ۱۷). کنترل رفتاری منفی خود که شامل رفتارهایی است که در موقعیت‌های دشوار ضروری به نظر می‌رسد نیز به همان ترتیب می‌تواند تحت اثرات مهارت‌های شناختی قرار گیرد و با یاری از مهارت‌های فراشناختی و حافظه به پیشگیری از رفتارهای ناگهانی و یا دارای اثر کوتاه‌مدت به قصد دستیابی به امتیازهای بهتر و البته درازمدت کمک کند. بدیهی است افرادی که برای رفتارهای خودشان تصمیم‌گیری نمی‌کنند، به کودکان دیگر، والدین، معلمان یا بزرگسالان تکیه می‌کنند تا برای آنها تصمیم بگیرند و در واقع این کودکان خودمهارگری را یاد نمی‌گیرند. مهارت‌های شناختی به کودک کمک می‌کنند تا برای رسیدن به هدف در یک وضعیت مناسب از حل مسئله باقی بماند و آن‌را حل کند. عملکرد موفقیت‌آمیز در برقراری ارتباط بین فردی مستلزم توانایی در حذف کنترل عوامل مزاحم در هنگام ارتباط، داشتن توجه و تمرکز، برنامه‌ریزی برای شروع ارتباط و استفاده از یک رویه منطقی در ارتباط با دیگران است که همگی از مهارت‌های شناختی مهم به‌شمار می‌آیند و موجب بهبود توانایی فرد در برقراری ارتباط می‌شود. کودکانی که عملکرد خوبی از لحاظ مهارت‌های شناختی دارند، ممکن است از راهبردهای تنظیم هیجان سازگار و ناسازگار استفاده کنند، اما کودکانی که مهارت‌های شناختی ضعیفی دارند، بیشتر از راهبردهای تنظیم هیجان نامناسب استفاده می‌کنند و بدکارکردی‌های اساسی در مهارت‌های شناختی مثل بازداری، حافظه کاری و برنامه‌ریزی سبب می‌شود. آنها در طراحی و کنترل رفتار خود دچار مشکل

شده و لحظه‌ای، تکانشی و بدون عاقبت‌اندیشی عمل کنند. بنابراین، بهبود مهارت‌های شناختی همچون برنامه‌ریزی و سازماندهی می‌تواند سبب ارتقای خودتنظیمی این کودکان و کاهش بی‌ثباتی/ منفی‌گرایی شود. بازداری کنترل می‌تواند توانایی شایستگی عاطفی این کودکان بویژه تنظیم هیجانی را توضیح دهد؛ چراکه تنظیم هیجان و بیان هیجانی، به توانایی کنترل بازداری نیازمندند. برای مثال، کودک برای مدیریت احساساتش باید هیجان‌های منفی خود را در طول تعامل با دیگران کنترل کند. در واقع بازداری کنترل به خودهدایتی رفتار کمک می‌کند و سبب می‌شود فرد در موقعیت‌های اجتماعی درنگ کرده، هیجان‌های منفی خود را کنترل و پاسخ مناسب‌تری دهد (۲۱). آموزش حافظه‌ی کاری، منفی‌گرایی هیجان را کاهش داده و می‌تواند تنظیم هیجان را بهبود بخشد. بهبود حافظه کاری سبب کاهش فعالیت در اینسولای خلفی چپ در طول انجام تکالیفی می‌شود که هیجان‌های منفی را بر می‌انگیزد (۲۲). لازم به ذکر است مهارت‌هایی نظیر سازمان‌دهی، برنامه‌ریزی و بازداری رفتار، از وظایف قطعه‌ی پیشانی مغز به‌شمار می‌رود؛ بنابراین تقویت مهارت‌های شناختی موجب می‌شود کودکان دارای خودکنترلی ضعیف، قدرت بازداری رفتاری بیشتری کسب کنند و خودکنترلی بیشتری از خود نشان دهند. در تبیینی دیگر باید گفت خودکنترلی ضعیف در کودکان به دلیل کاستی در مهارت‌های شناختی قطعه‌ی پیشانی مغز بوجود می‌آید و این موضوع به‌وسیله‌ی پژوهش‌های متعددی تأیید شده است. در نظریه عصب روان‌شناختی نیز بر حضور نقایصی در بازداری یا بازداری زدایی در مشکلاتی نظیر حواس‌پرتی، بی‌توجهی، تکانشگری و خودکنترلی ضعیف در این کودکان تأکید شده است. عدم موفقیت در بازداری یا بازداری زدایی در این کودکان موجب وقوع رفتارهای تکانشی می‌شود؛ به‌نحوی که کودک پیش از اینکه تکلیف را درک کند، به محرک‌های محیطی پاسخ می‌دهد. به عبارت دیگر، قبل از در اختیار داشتن اطلاعات کافی و پردازش مناسب، اطلاعات مربوط به تکلیف را پردازش می‌کنند (۲۱). از طرف دیگر، یافته پژوهش حاضر نشان داد که مهارت‌های شناختی به‌صورت غیرمستقیم و از طریق نقش میانجی یکپارچگی حسی بر توانایی برقراری ارتباط بین فردی اثر دارد. در مطالعات پیشین، یولی و همکاران (۳۶) به بررسی نقش یکپارچگی حسی بر تعاملات بین فردی نوجوانان دارای کم‌توانی ذهنی پرداختند و نتایج پژوهش آنها نشان داد که برنامه یکپارچگی حسی بر شادکامی و تعامل اجتماعی آن‌ها مؤثر بوده است. واتلینگ و دیتز (۳۷) به

کاهش نشانه‌های منفی ارتباط بین فردی و بهبود درک و روابط مثبت با دیگران شود و فرد بتواند در برقراری ارتباط بین فردی کارآمدتر عمل نماید. در مقابل، نقص در یکپارچگی حسی می‌تواند منجر به سوء برداشت یا واکنش‌های نامناسب در موقعیت‌های اجتماعی شود. همچنین، اگر اطلاعات حسی به درستی یکپارچه شوند، فرد می‌تواند پیام‌های کلامی و غیرکلامی دیگران را بهتر درک کند. این موضوع به تقویت ارتباط مؤثر و کاهش سوء تفاهم‌ها کمک می‌کند. افراد با یکپارچگی حسی قوی‌تر، معمولاً از اعتماد به نفس بیشتری در ارتباطات اجتماعی برخوردارند. بنابراین، یکپارچگی حسی می‌تواند به‌عنوان یک متغیر میانجی عمل کند؛ به این معنا که اگر یک کودک در مهارت‌های شناختی خود قوی باشد، اما در یکپارچگی حسی مشکلاتی داشته باشد، ممکن است نتواند این مهارت‌ها را به‌طور مؤثر در تعاملات اجتماعی به کار گیرد. برعکس، اگر یک کودک در یکپارچگی حسی قوی باشد، می‌تواند به بهبود مهارت‌های شناختی و در نتیجه توانایی برقراری ارتباط کمک کند. بنابراین، یکپارچگی حسی می‌تواند به‌عنوان یک پل عمل کند که ارتباط بین مهارت‌های شناختی و توانایی برقراری ارتباط بین فردی را تسهیل یا مختل می‌کند. بهبود یکپارچگی حسی می‌تواند به کودکان با اختلال طیف اُتیسسم کمک کند تا مهارت‌های شناختی خود را بهتر به کار گیرند و در نتیجه ارتباطات اجتماعی بهتری برقرار کنند. یکپارچگی حسی با استفاده از چندین مکانیسم با مهارت‌های شناختی مرتبط است. الف) پردازش اطلاعات: یکپارچگی حسی به کودکان کمک می‌کند تا اطلاعات حسی را به‌طور مؤثر پردازش کنند. اگر یک کودک نتواند اطلاعات حسی را به درستی ادغام کند، ممکن است درک و پردازش اطلاعات شناختی دچار مشکل شود. به‌عنوان مثال، اگر یک کودک در تشخیص صداها و تصاویر دچار مشکل باشد، ممکن است نتواند به‌خوبی درک کند که چه چیزی در محیطش در حال وقوع است. ب) توجه و تمرکز: یکپارچگی حسی می‌تواند بر توانایی توجه و تمرکز تأثیر بگذارد. کودکان با مشکلات یکپارچگی حسی ممکن است به‌راحتی حواسشان پرت شود یا نتوانند به‌طور متمرکز بر روی یک فعالیت تمرکز کنند. این می‌تواند بر یادگیری و انجام وظایف شناختی تأثیر منفی بگذارد. ج) حل مسئله و تفکر انتقادی: کودکان با یکپارچگی حسی مناسب قادرند اطلاعات را به‌طور مؤثرتری تحلیل و تفسیر کنند، که این امر به بهبود مهارت‌های حل مسئله و تفکر انتقادی کمک می‌کند. توانایی درک درست محرک‌های حسی می‌تواند به کودکان کمک کند تا در موقعیت‌های مختلف

بررسی تأثیر روش یکپارچگی حسی در بهبود رفتارهای کودکان پیش‌دبستانی با اختلال طیف اُتیسسم پرداختند. آنان همچنین، تأثیر روش یکپارچگی حسی را بویژه در رفتارهایی مانند تعاملات اجتماعی و تماس چشمی بررسی کردند و نتایج تأیید کرد که روش یکپارچگی حسی آیزر منجر به بهبود تعاملات اجتماعی و تماس چشمی کودکان با اختلال طیف اُتیسسم شده است. در ایران، فرامرزی و همکاران (۳۴) به بررسی اثربخشی تمرینات یکپارچگی حسی بر تعاملات اجتماعی و رفتارهای کلیشه‌ای کودکان با اختلال طیف اُتیسسم پرداختند و یافته‌های آنان نشان داد که تمرینات یکپارچگی حسی، باعث کاهش رفتارهای کلیشه‌ای و بهبود تعاملات اجتماعی می‌شود. همچنین، شیری و همکاران (۱۹) به بررسی تأثیر توان‌بخشی شناختی بر بهبود توانایی شناخت اجتماعی کودکان با اختلال طیف اُتیسسم با عملکرد بالا پرداختند و یافته‌های آنان نشان داد که رویکرد توان‌بخشی شناختی بر بهبود توانایی شناخت اجتماعی مؤثر است. علاوه بر این، یقینی و همکاران (۲۰) نیز نشان دادند که روش توان‌بخشی شناختی مبتنی بر بازشناسی هیجانی بر بهبود تئوری ذهن و کاهش مشکلات رفتاری اثر معناداری داشته است. نقش میانجی یکپارچگی حسی در رابطه بین مهارت‌های شناختی و توانایی برقراری ارتباط بین فردی در کودکان با اختلال طیف اُتیسسم می‌تواند براساس نتایج پژوهش‌های فرامرزی و همکاران (۲۰) و یولی و همکاران (۳۶) تبیین شود. مهارت‌های شناختی شامل توانایی‌های تفکر، حل مسئله، یادگیری و پردازش اطلاعات هستند و کودکان با اختلال طیف اُتیسسم ممکن است در این مهارت‌ها چالش‌هایی داشته باشند که بر توانایی آنها در برقراری ارتباط تأثیر می‌گذارد. یکپارچگی حسی به توانایی پردازش و ادغام اطلاعات حسی از محیط اطراف اشاره دارد و کودکان با اختلال طیف اُتیسسم ممکن است در یکپارچگی حسی دچار مشکل شوند، به این معنا که نتوانند به‌طور مؤثر اطلاعات حسی را تحلیل و ادغام کنند. یکپارچگی حسی می‌تواند پل ارتباطی بین مهارت‌های شناختی و مهارت‌های ارتباط بین فردی باشد زیرا افرادی که اطلاعات حسی را به‌خوبی پردازش می‌کنند، توانایی بیشتری برای شناسایی نشانه‌های غیرکلامی (مانند حالت چهره، تَن صدا یا زبان بدن) دارند. این توانایی به آنها کمک می‌کند تا در موقعیت‌های ارتباطی بهتر عمل کرده و پاسخ‌هایی مناسب‌تر ارائه دهند. به‌عبارتی، کارکرد مؤثر حافظه و سازمان‌دهی موفق شناختی می‌تواند با شناسایی سریع نشانه‌های غیرکلامی و برنامه‌ریزی مناسب برای برقراری ارتباطات و تمرکز بر رفتارهای فردی، باعث ارتقای رفتار سنجیده،

ارتباطی ضعیف و از جمله کودکان با اختلال طیف اُتیسْم، اغلب به طور نامناسب با همسالان رابطه برقرار می‌کنند (۲۱) و نقص ارتباطی در این افراد خود را به صورت مشکلاتی در شروع روابط اجتماعی، نگهداری روابط، خواسته‌ها و علایق سایرین نشان می‌دهد که می‌تواند تأثیرپذیر از پردازش داده‌های حسی باشد. آیزر فرض کرد که اختلال در یکپارچگی حسی هنگامی رخ می‌دهد که نورون‌های حسی نشانه‌ای نشان ندهند و یا کارآمد نباشند که این مسئله با بروز اختلال در تنظیم و ابرازگری هیجانی می‌تواند در تضعیف روابط بین فردی نقش داشته باشد. از سوی دیگر، همسو با ارتباط بین متغیر ملاک و پیش‌بین، یافته‌های مطالعه هیلتون و همکاران (۱۳) نشان داد که بازی‌های شناختی منجر به بهبود کارکردهای اجتماعی در کودکان با اختلال طیف اُتیسْم می‌شود. تئوری ذهن برای کودکان با اختلال طیف اُتیسْم بیانگر آن است که کمبودهایی پایدار در ارتباطات و تعاملات اجتماعی کودکان با اختلال طیف اُتیسْم در زمینه‌های مختلف وجود دارد و کودکان با اختلال طیف اُتیسْم درجات متفاوتی از اختلال در تئوری ذهن را تجربه می‌کنند. این توانایی ذهنی نه تنها پیش‌بینی اهداف رفتاری را انجام می‌دهد، بلکه شامل حالت‌های ذهنی ژرف مانند فکر کردن، باور کردن، شناختن، رویا پردازی و غیره نیز می‌شود. در مواجهه با اختلال طیف اُتیسْم، متخصصان این تئوری را بیان می‌کنند که برخی عملکردهای مغز فرد اُتستیک مفقود شده به صورتی که وی به علت ناتوانی در یکپارچه‌سازی، جزئیات اطلاعات را بیرون کشیده و به آنها توجه می‌کند. کودکان با اختلال طیف اُتیسْم به علت اختلالات حسی-عصبی، در رفتار اجتماعی کمبود عمیقی از خود نشان می‌دهند و عموماً در گسترش ارتباطات با سایرین ناموفق هستند. نکته مورد ضرورت در مسئله یکپارچگی حسی این است که یکپارچگی حسی بر مبنای ۳ مؤلفه اصلی قرار دارد. اولین مؤلفه آن است که همه یادگیری‌ها به توانایی دریافت سازمان‌دهی احساس‌هایی وابسته است که از محیط دریافت می‌شوند و سپس در استفاده از این اطلاعات برای برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی قادر می‌شوند. دومین مؤلفه توضیح می‌دهد افرادی که نمی‌توانند هیجان‌اتشان را به صورت کارآمدی پردازش کنند، ممکن است در تولید کارکردهای مناسب براساس این هیجان‌ات مشکل داشته باشند. در نتیجه این امکان وجود دارد تا با یادگیری‌شان همانند رفتارشان تداخل ایجاد نماید. سومین مؤلفه نیز به این مفهوم می‌پردازد که فعالیت هدفمند می‌تواند به احساس بهبود یافته، پاسخ سازگارانه و بهبودی در یکپارچگی حسی منجر شود. از سوی دیگر، مهارت‌های شناختی

به درستی عمل کنند. (د) تنظیم هیجانی: یکپارچگی حسی همچنین بر تنظیم هیجانی تأثیر دارد. کودکان با مشکلات یکپارچگی حسی ممکن است در مدیریت احساسات و پاسخ‌های هیجانی خود دچار مشکل شوند. این می‌تواند بر توانایی‌های شناختی آنها تأثیر بگذارد، زیرا هیجان‌ات شدید می‌توانند مانع از پردازش صحیح اطلاعات شوند. از سوی دیگر، دشواری در پردازش اطلاعات حسی و بویژه حساسیت یا عدم حساسیت شدید به ورودی‌های حسی که در کودکان با اختلال طیف اُتیسْم رایج است. ممکن است منجر به رفتارهایی مانند پرخاشگری، هشیاری بیش از حد یا کناره‌گیری شود. مشکلات تعدیل حسی (یعنی مشکل در تشخیص و/یا ادغام اطلاعات حسی) در کودکان با اختلال طیف اُتیسْم احتمالاً بار قابل توجهی برای کودکان و خانواده‌ها ایجاد می‌کند و مشارکت در فعالیت‌های اوقات فراغت را محدود می‌کند و با مشکلات مربوط به فعالیت‌های روزمره زندگی و روابط بین فردی مرتبط است. جذب و دریافت حسی می‌تواند طیف وسیعی را شامل شود که در یک سوی این طیف جذب و دریافت بسیار اندک و در سوی دیگر طیف جذب و دریافت بسیار زیاد قرار دارد. در حالت دریافت بسیار زیاد اطلاعات، مغز دچار تحمل بار زیاد و قرار گرفتن در حالت سنگینی بار می‌شود و این امر موجب می‌شود تا از محرک حسی اجتناب ورزد. در حالت دریافت بسیار اندک اطلاعات، مغز مرتباً به جستجوی اطلاعات حسی می‌پردازد و برهم خوردن نظم و ساختار عصبی به ۳ شیوه مختلف و متفاوت می‌تواند رخ دهد که نتیجه آن ایجاد مشکل در کیفیت روابط بین فردی است. اول اینکه به علت قطع ارتباط در سطح سلول‌های عصبی، مغز پیامی را دریافت نمی‌کند. دوم اینکه در برقراری مستمر ارتباط وقفه رخ می‌دهد و ثبات لازمه وجود ندارد و دریافت پیام با وقفه‌هایی همراه است. سوم اینکه پیام‌ها به طور مستمر دریافت می‌شوند، ولی بین آنها و سایر پیام‌ها ارتباط مناسبی برقرار نمی‌شود. در حالت‌های مذکور که مغز در فرآیند پردازش پیام‌های عصبی دچار ضعف و اختلال می‌شود، بالطبع پرونده‌های نامطلوب و ناکافی حرکتی، زبانی-کلامی و یا هیجانی بروز می‌کنند که این امر سبب می‌شود تا کودکان از انجام یک واکنش حرکتی مناسب در روابط بین فردی و در قالب یک رفتار هدفمند ناتوان شوند. براساس بررسی‌های انجام شده، اختلال در توانایی‌های ارتباطی اجتماعی از عوامل زیربنایی ذهنی مانند ضعف در شناخت اجتماعی و نظریه ذهن، اختلال در انسجام مرکزی و پردازش یکپارچه اطلاعات تأثیر می‌پذیرد. افراد با توانایی‌های

پردازش اطلاعات تأثیر می‌گذارند، بلکه به تنظیم هیجانات، حل مسائل اجتماعی و برقراری ارتباط مؤثر کمک می‌کنند. بنابراین، تقویت مهارت‌های شناختی می‌تواند به بهبود کیفیت مهارت در برقراری ارتباط بین فردی کمک کند. به‌عنوان محدودیت‌هایی که با آن روبه‌رو بودیم، جامعه آماری ممکن است شامل کودکان با درجات مختلف اختلال طیف اُتیسسم باشد که تعمیم نتایج به کل جمعیت این گروه را دشوار سازد و همچنین، تفاوت‌های فرهنگی و محیطی ممکن است بر نتایج تأثیر بگذارد که در مطالعه حاضر شرکت‌کنندگان از شهرهای مختلف بودند. ابزارهای مورد استفاده برای ارزیابی متغیرها بر گزارش‌های والدین متکی بود که احتمال سوگیری پاسخ‌دهی را افزایش می‌دهد. همچنین، متغیرهای دیگری مانند شدت علائم اُتیسسم، میزان مداخلات درمانی قبلی، سطح تحصیلات والدین و محیط اجتماعی کودک می‌توانند بر مهارت‌های شناختی و توانایی ارتباطی تأثیر بگذارند که البته کنترل همه این متغیرها دشوار است. پیشنهادات پژوهشی شامل: به‌جای تکیه صرف بر گزارش‌های والدین، می‌توان از روش‌های ترکیبی مانند ارزیابی‌های فیزیولوژیکی و ابزارهای استاندارد مبتنی بر عملکرد (مانند آزمون‌های حرکتی) استفاده کرد. انجام پژوهش بر روی گروه‌های همسان‌سازی شده از نظر شدت اختلال می‌تواند اثر متغیرهای نامرتب را کاهش دهد. برای افزایش قابلیت تعمیم‌پذیری نتایج، می‌توان این مطالعه را در فرهنگ‌ها و مناطق مختلف جغرافیایی به صورت مجزا انجام داد. از جمله پیشنهادات کاربردی: توسعه مداخلات یکپارچگی حسی برای بهبود مهارت‌های شناختی و ارتباطی پیشنهاد می‌شود. برای این منظور، استفاده از فعالیت‌های حسی هدفمند (مانند بازی‌های لمسی، شنیداری و تعادلی) در مراکز توان‌بخشی قابل استفاده است. طراحی اتاق‌های یکپارچگی حسی در مدارس و مراکز درمانی و آموزش والدین برای استفاده از تکنیک‌های حسی در خانه (مثلاً ماساژهای عمیق، تمرینات حرکتی) مفید است. آموزش معلمان مدارس استثنایی و عادی درباره چگونگی تقویت مهارت‌های شناختی و ارتباطی از طریق فعالیت‌های حسی، ایجاد دوره‌های آنلاین برای والدین جهت آگاهی از روش‌های مدیریت مشکلات پردازش حسی در خانه و طراحی پکیج‌های آموزشی چندرسانه‌ای (ویدیوها، بروشورها، اپلیکیشن‌های تعاملی) برای آموزش مهارت‌های ارتباطی به کودکان با اختلال طیف اُتیسسم. در این روش‌ها، افزایش آگاهی والدین و معلمان باعث بهبود تعامل کودک با محیط شده و فرصت‌های یادگیری و اجتماعی را افزایش می‌دهد. همچنین،

نقش بسیار مهمی در برقراری ارتباط بین فردی دارند. این مهارت‌ها شامل توانایی‌های ذهنی مانند تفکر، یادگیری، حافظه، توجه و پردازش اطلاعات هستند. در زیر به تبیین اثرات مهارت‌های شناختی بر برقراری ارتباط بین فردی پرداخته می‌شود: الف) پردازش اطلاعات: مهارت‌های شناختی به فرد کمک می‌کنند تا اطلاعات را از محیط خود جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر کند. این پردازش اطلاعات برای درک پیام‌های کلامی و غیرکلامی (مانند زبان بدن و حالت‌های چهره) ضروری است. افرادی که توانایی پردازش اطلاعات بالایی دارند، می‌توانند به راحتی مفاهیم را درک کنند و پاسخ‌های مناسب‌تری ارائه دهند. ب) توجه و تمرکز: توانایی توجه و تمرکز بر روی یک مکالمه یا تعامل اجتماعی از اهمیت بالایی برخوردار است. افرادی که مهارت‌های توجه و تمرکز قوی دارند، می‌توانند به خوبی به صحبت‌های دیگران گوش دهند و واکنش‌های مناسب نشان دهند. این امر باعث می‌شود که ارتباطات مؤثرتر و معنادارتری برقرار شود. ج) حل مسئله: مهارت‌های حل مسئله به افراد کمک می‌کند تا در موقعیت‌های اجتماعی چالش‌برانگیز به خوبی عمل کنند. توانایی تحلیل و یافتن راه‌حل‌های مناسب برای مشکلات اجتماعی می‌تواند به برقراری ارتباط مؤثر و جلوگیری از سوء تفاهم‌ها کمک کند. د) قضاوت و تصمیم‌گیری: افرادی که توانایی قضاوت و تصمیم‌گیری خوبی دارند، می‌توانند در تعاملات اجتماعی بهتر عمل کنند. این مهارت‌ها به آنها کمک می‌کند تا درک بهتری از نیازها و احساسات دیگران داشته باشند و تصمیمات بهتری در مورد نحوه پاسخ به آنها اتخاذ کنند. ه) تنظیم هیجانی: مهارت‌های شناختی به تنظیم هیجانات کمک می‌کنند. افرادی که توانایی مدیریت احساسات خود را دارند، می‌توانند در موقعیت‌های اجتماعی به خوبی عمل کنند و از بروز واکنش‌های هیجانی نامناسب جلوگیری کنند. این امر باعث می‌شود که ارتباطات آنها مثبت‌تر و سازنده‌تر باشد. و) درک اجتماعی: درک اجتماعی به توانایی فرد در فهم و تفسیر رفتارها، احساسات و نیازهای دیگران اشاره دارد. مهارت‌های شناختی به افراد کمک می‌کند تا حساسیت بیشتری نسبت به نشانه‌های اجتماعی داشته باشند و بتوانند به احساسات و نیازهای دیگران پاسخ دهند. ز) ارتباط غیرکلامی: مهارت‌های شناختی به افراد کمک می‌کنند تا زبان بدن، حالات چهره و سایر نشانه‌های غیرکلامی را درک کنند. این درک می‌تواند به تقویت ارتباطات بین فردی و ایجاد همدلی کمک کند. بنابراین، مهارت‌های شناختی به افراد کمک می‌کنند تا در تعاملات اجتماعی خود موفق‌تر باشند. این مهارت‌ها نه تنها بر درک و

ارتباطی در کودکان با اختلال طیف اُتیسزم فراهم می‌شود. بویژه، اگر یافته‌های این پژوهش با نتایج دیگر مطالعات ترکیب شوند، می‌توان مدل‌های موجود درباره رشد ارتباطی را توسعه داد و آنها را با نقش یکپارچگی حسی ادغام کرد. این امر نه تنها به فهم بهتر مکانیسم‌های زیربنایی مشکلات ارتباطی در کودکان با اختلال طیف اُتیسزم کمک می‌کند، بلکه به متخصصان توان بخشی، گفتاردرمانی و روان‌شناسی بالینی این امکان را می‌دهد تا مداخلات هدفمندتری را برای بهبود تعاملات اجتماعی این کودکان طراحی کنند.

تشکر و قدردانی

از والدین ارجمند و تمامی افرادی که در اجرای این پژوهش مشارکت داشتند، سپاسگزاری می‌شود.

تضاد منافع

در این مقاله هیچ تضاد یا تعارض منافی وجود ندارد.

References

1. Eigsti, M., Fein, D., Larson, C. Editorial Perspective: Another look at 'optimal outcome' in autism spectrum disorder. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 2022, 64(2): pp: 332- 334. doi: 10.1111/jcpp.13658. Epub 2022 Jun 30.
2. Lord C, Brugha TS, Charman T, Cusack J, Dumas G, Frazier T, ... Veenstra-VanderWeele J (2020). Autism spectrum disorder. *Nature Reviews Disease Primers*. 6(1): pp: 1-23. <https://doi.org/10.1038/s41572-019-0138-4>
3. Irandgani, H., Barakzahi, SH., Raisi, S and Sarani, A. How to recognize autism in students, the first international conference of psychology, social sciences, educational sciences and philosophy, Babol. 2023. {persian}. <https://civilica.com/doc/1698676/>
4. Hosseinianpour A, Yar Ahmadi Y. Effectiveness of intervention with applied behavior analysis method on cognitive and social skills of children with autism spectrum disorder. *Journal of Neurodevelopmental Disorders*, 2022, 1(1): pp: 33-44. {persian}. doi: 10.1186/s40359-024-02045-5.
5. Berenguer C, Miranda A, Colomer C, Rosello B. Contribution of theory of mind, executive functioning, and pragmatics to socialization behaviors of children with high-functioning autism. *The Journal of Autism Development Disord*; 2018, 48(2): pp: 430-441. doi: 10.1007/s10803-017-3349-0.

توسعه اپلیکیشن‌های هوشمند برای تقویت یکپارچگی حسی و مهارت‌های ارتباطی پیشنهاد می‌شود. طراحی اپلیکیشن‌های مبتنی بر واقعیت مجازی که کودکان را در موقعیت‌های ارتباطی و حسی قرار می‌دهند. استفاده از دستگاه‌های بازخورد لمسی برای کمک به کودکان در پردازش ورودی‌های حسی و توسعه نرم‌افزارهایی که مهارت‌های شناختی و پردازش حسی را از طریق بازی‌های تعاملی تقویت می‌کنند پیشنهاد می‌شود، چراکه فناوری‌های دیجیتال می‌توانند محیط‌های یادگیری سفارشی شده برای هر کودک ایجاد کنند و تعامل آنها را با جهان واقعی بهبود بخشند. مطالعات گذشته در زمینه کودکان با اختلال طیف اُتیسزم عمدتاً بر تأثیرات جداگانه مهارت‌های شناختی یا پردازش حسی بر توانایی‌های ارتباطی تمرکز داشته‌اند. برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که ضعف در مهارت‌های شناختی مانند توجه، حافظه کاری و کارکردهای اجرایی، بر توانایی برقراری ارتباط بین فردی کودکان با اختلال طیف اُتیسزم اثر می‌گذارد. در مقابل، مطالعات دیگر به نقش پردازش حسی پرداخته و نشان داده‌اند که مشکلات یکپارچگی حسی (مانند حساسیت بیش از حد یا کمبود پاسخ‌دهی به محرک‌های محیطی) می‌تواند تعاملات اجتماعی کودکان با اختلال طیف اُتیسزم را محدود کند. اما این پژوهش، برخلاف پژوهش‌های پیشین، با بررسی نقش میانجی‌گری یکپارچگی حسی در ارتباط بین مهارت‌های شناختی و توانایی‌های ارتباطی بین فردی تلاش کرده است تا تعامل این سه متغیر را به صورت یک مدل منسجم مورد مطالعه قرار دهد. این روش، دیدگاهی جامع‌تر از مسیرهای تأثیرگذار بر مشکلات ارتباطی در کودکان با اختلال طیف اُتیسزم ارائه می‌دهد. افزوده شدن این مطالعه به دانش موجود از دو جنبه حائز اهمیت است. نخست، نتایج آن نشان می‌دهد که پردازش حسی نه تنها یک عامل مستقل در مشکلات ارتباطی نیست، بلکه می‌تواند به عنوان یک متغیر میانجی عمل کند که از طریق آن، مهارت‌های شناختی بر توانایی‌های ارتباطی اثر می‌گذارند. این یافته می‌تواند در طراحی مداخلات درمانی جدید مورد استفاده قرار گیرد، به گونه‌ای که به جای تمرکز صرف بر آموزش مهارت‌های اجتماعی، به بهبود یکپارچگی حسی نیز پرداخته شود. دوم، این پژوهش با به کارگیری روش‌های مدلیابی معادلات ساختاری به ارائه شواهد قوی‌تری نسبت به روابط میان متغیرها پرداخته است که می‌تواند مبنای پژوهش‌های آینده باشد. با توجه به نتایج این پژوهش و مطالعات مشابه، امکان تدوین یک مدل نظری جامع‌تر برای درک بهتر مشکلات

6. McCauley, J.B., Pickles, A., Huerta, M., & Lord, C. Defining positive outcomes in more and less cognitively able autistic adults. *Autism Research*, 2020, 13, pp: 1548– 1560. doi: 10.1002/aur.2359. Epub 2020 Aug 27.
7. Kazemi, S and Amin, M. R. Investigating behavioral characteristics in autism patients, published in the fourth national conference of professional research in psychology and counseling with a teacher's perspective approach, Minab. 2022. {persian}. <https://civilica.com/doc/1528459/>
8. Almasi Kopai, S. An analysis of the psychological aspects of autistic children in the teaching of subjects at the primary level, the third international conference on humanities, law, social studies and psychology. 2022. {persian}. <https://civilica.com/doc/1537989/>
9. Rodda A, Estes A. Beyond Social Skills: Supporting Peer Relationships and Friendships for School-Aged Children with Autism Spectrum Disorder. *Semin Speech Lang*. 2018, 39(2): pp: 178-194. doi: 10.1055/s-0038-1628369
10. Tarasi L, Trajkovic J, Diciotti S, di Pellegrino G, Ferri F, Ursino M. Predictive waves in the autismschizophrenia continuum: a novel biobehavioral model. *Neuroscience & Biobehavioral Reviews*. 2022, 132: pp: 1-22. <https://doi.org/10.1016/j.neubiorev.2021.11.006>
11. Karampour M, Hashemi Razini H, Gholamali Lavasani M, Vakili S. The effectiveness of an intervention program based on functional communication training on stereotyped behaviors, aggressive behaviors, and self-harming behaviors of children with autism spectrum disorder. *Children's Mental Health Quarterly*. 2021, 8(3): pp: 44. {persian}. <http://childmentalhealth.ir/article-1-1054-en.html>
12. Rezaei, Saeed, Ameri, Elaha. Ghanizadeh, Samia. Effectiveness of water polo in improving communication skills and social interactions of autistic children. *Scientific Journal of Sports Psychology*. 2019, 5(2): pp: 20-37. {persian}. doi: 10.48308/mbasp.5.2.101
13. Hilton CL, Attal A, Best JR, Reistetter TA, Trapani P, Collins D. Exergaming to improve physical and mental fitness in children and adolescents with autism spectrum disorders: Pilot study. *International Journal of Sports and Exercise Medicine*. 2015, 1(3): pp: 1510015. DOI: 10.23937/2469-5718/1510017
14. Jones RM, Pickles A, Lord C. Evaluating the quality of peer interactions in children and adolescents with autism with the Penn Interactive Peer Play Scale (PIPPS). *Molecular Autism*. 2017, 8(1): pp: 1-9. doi: 10.1186/s13229-017-0144-x.
15. Asifa Rashid, Dr. HinaFazil, & Muhammad Usman Khalid. Relationship between Cognitive skills and Social Skills among Children with Autism Spectrum Disorder. *Al-Mahdi Research Journal (MRJ)*, 5(5): 2024: 74–87. https://www.researchgate.net/publication/382863151_Relationship_between_Cognitive_skills_and_Social_Skills_among_Children_with_Autism_Spectrum_Disorder
16. Irene, V., Rikka , K., Thomas , W., Andreas , D., Martina , J., Fernandez-Cabello , S. Tobias , K., Shared pattern of impaired social communication and cognitive ability in the youth brain across diagnostic boundaries. *Developmental Cognitive Neuroscience*, 2024, 60(1), pp: 1878-9293. doi: 10.1016/j.dcn.2023.101219. Epub 2023 Feb 18.
17. Greco, A. The cognitive approach to the process of interpersonal understanding: the role of the concepts of "consciousness" and "behavior. 2000. <https://philsci-archive.pitt.edu/20337/1/02e%20The%20cognitive%20approach%20to%20the%20process>.
18. Rezaei S. Designing and studying the effectiveness of the cognitive rehabilitation games program on the social functioning of children with autism. *Scientific-research quarterly journal of new cognitive sciences*. 2019, 22(4): pp: 45-35. {persian}. <http://icssjournal.ir/article-1-1163-en.html>
19. Shiri, A, Nejati, H., Pouretemad, H., Chimeh, N. Evaluation of effectiveness of cognitive rehabilitation on remediation of social cognitive abilities in children with high function autism. *RBS* 2013; 11 (5): 320-331. <http://rbs.mui.ac.ir/article-1-326-en.html>
20. Yaghini, M. Naderi, F. Nejati, V. The effectiveness of cognitive rehabilitation based on emotional recognition on behavioral problems and theory of mind of children with autism spectrum disorder. Empowerment of exceptional children magazine. 2019, 11(3). {persian}. doi: 10.22034/ceciranj.2020.231765.1392
21. Nouri, S.Z., Khanzadeh Firouzjah, A.A., Abolghasemi, A and Shakerinia, I, The effect of combined training of warm and cold executive functions on emotion regulation in children with attention deficit/hyperactivity disorder *Psychological Studies*, 2016 (18)2: pp: 44. https://psychstudies.alzahra.ac.ir/article_6242_7adb ed9ae5382a9cd242c647bb2566fb.pdf
22. Samimi, Z, & Hassani, J. The effect of emotional working memory training on cognitive emotion regulation strategies in adolescents with post-traumatic stress disorder. *Clinical Psychology Studies*, 7(23): 2016: pp: 113-132. doi: 10.1002/pchj.353. Epub 2020 Mar 12.
23. Madrigal R. Hot .V. Cold cognitions and consumers' reactions to sporting event outcomes. *Journal of Consumer Psychology*; 2019, 18(4): pp: 304-19. <https://doi.org/10.1016/j.jcps.2008.09.008>
24. Rabiei F, Ehteshamzadeh P, Homaei R, Jayervand H.. Development of play therapy based on sensory integration and its feasibility on the frequency and severity of challenging behavior in boys with autism spectrum disorder. *Rooyesh*. 2024, 13(1), pp: 93-102. <http://frooyesh.ir/article-1-5040-en.html>

25. Alizadeh, S.; Khanzadeh, A.; Khosrojauid, M.; Nouri, Z. The effectiveness of sensory-motor integration exercises on balance performance in children with autism spectrum disorder. *Journal of Psychology*. 2024, 28(2): pp: 184-193. doi: 10.1007/s10803-024-06325-2.
26. Oh S, Jang JS, Jeon AR, Kim G, Kwon M, Cho B, Lee N. Effectiveness of sensory integration therapy in children, focusing on Korean children: A systematic review and meta-analysis. *World J Clin Cases*. 2024 Mar 6;12(7): pp: 1260-1271. doi: 10.12998/wjcc.v12.i7.1260.
27. Passarello N, Tarantino V, Chirico A, Menghini D, Costanzo F, Sorrentino P, Fucà E, Gigliotta O, Alivernini F, Oliveri M, Lucidi F, Vicari S, Mandolesi L, Turriziani P. Sensory Processing Disorders in Children and Adolescents: Taking Stock of Assessment and Novel Therapeutic Tools. *Brain Sci*. 2022 31;12(11): pp: 1478. doi: 10.3390/brainsci12111478.
28. Ben-Sasson A., Gal E., Fluss R., Katz-Zetler N., Cermak S.A. Update of a Meta-analysis of Sensory Symptoms in ASD: A New Decade of Research. *J. Autism Dev. Disord*. 2019; 49: pp: 4974-4996. doi: 10.1007/s10803-019-04180-0.
29. Ben-Sasson A., Carter A.S., Briggs-Gowan M.J. Sensory over-responsivity in elementary school: Prevalence and social-emotional correlates. *J. Abnorm. Child Psychol*. 2009; 37: pp: 705-716. doi: 10.1007/s10802-008-9295-8.
30. Ryckman J., Hilton C., Rogers C., Pineda R. Sensory Processing Disorder in Preterm Infants during Early Childhood and Relationships to Early Neurobehavior. *Early Hum. Dev*. 2017;113: pp: 18-22. doi: 10.1016/j.earlhumdev.2017.07.012. Epub 2017 Jul 14.
31. Dellapiazza F., Vernhet C., Blanc N., Miot S., Schmidt R., Baghdadli A. Links between sensory processing, adaptive behaviours, and attention in children with autism spectrum disorder: A systematic review. *Psychiatry Res*. 2018; 270: pp: 78-88. doi: 10.1016/j.psychres.2018.09.023. Epub 2018 Sep 13
32. Glod M., Riby D.M., Honey E., Rodgers J. Psychological Correlates of Sensory Processing Patterns in Individuals with Autism Spectrum Disorder: A Systematic Review. *Rev. J. Autism Dev. Disord*. 2015; 2: pp: 199-221. <https://doi.org/10.1007/s40489-015-0047-8>
33. Randell E, Wright M, Milosevic S. Sensory integration therapy for children with autism and sensory processing difficulties: the SenITA RCT. Southampton (UK): National Institute for Health and Care Research; 2022 Jun. (Health Technology Assessment, No. 26.29.) Chapter 1, Introduction. Available from: <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/books/NBK581602/> doi: 10.3310/TQGE0020.
34. Faramarizi, S. Abbasi, S. Gholami, M. Poursadoghi, A. The effect of sensory integration exercises on social interactions and stereotyped behaviors of children with autism spectrum disorder. *Journal of Cognitive and Behavioral Sciences*. 2021, 10(2). pp: 2- 11. {persian}. doi: 10.22108/cbs.2021.128209.1520
35. Complementary, S. O., Zimmer, M., Desch, L. & American Academy of Pediatrics. Sensory integration therapies for children with developmental and behavioral disorders. *Pediatrics*, 2012, 129(6), pp: 1186-1189. doi: 10.1542/peds.2012-0876. Epub 2012 May 28.
36. Yuile, L. E., Smidt, A. & Quinlan, S. Valuing relationships: The impact of a sensory program on the interactions of adolescents with severe-to-profound intellectual disabilities. *Journal of Intellectual Disabilities*, 2020, 1744629520921730. doi: 10.1177/1744629520921730. Epub 2020 May 8.
37. Watling, R. L. & Dietz, J. Immediate effect of Ayres's sensory integration-based occupational therapy intervention on children with autism spectrum disorders. *American Journal of Occupational Therapy*, 2007, 61(5), pp: 574-583. doi: 10.5014/ajot.61.5.574.
38. Gioia GA, Isquith PK, Guy SC, Kenworthy L. Behavior rating inventory of executive function: Professional manual 2000. Odessa, FL: Psychological Assessment Resources, Incorporated. https://www.researchgate.net/publication/311532927_Behavior_rating_inventory_of_executive_function
39. Nodei K, Sarami Gh, Karamati H. The relation between function and working memory capacity and Students' reading performance: executive . *CPJ* 2016; 4 (3) :11-20. URL: <http://jcp.khu.ac.ir/article-1-2631-en.html>
40. Parham, L. D., Ecker, C., Miller-Kuhaneck, H., Henry, D. A., & Glennon, T. J. (2007). *Sensory Processing Measure (SPM): Manual*. Los Angeles, CA: Western Psychological Services. https://ecom-cdn.wpspublish.com/prod/media/wpsmedia/spm_manual.pdf
41. Movasaghi Z, Shamelil L, Hadianfard H. Comparison of Children with Attention Deficit/Hyperactivity Disorder, Special Learning Disorder and Normal in Sensory Processing, Academic Help Seeking and Problem-solving Strategies. *JOEC* 2021; 21 (4) : 3. URL: <http://joec.ir/article-1-1447-en.html>